

غرب زاده!

در دوره طاغوت، آدمی مثل تقی زاده، به این مضمون می گفت که ایران باید از فرق سر تا ناخن پا غربی بشود. یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی زاده های جدید از این حرفها می زنند.

۹۸/۱/۱



اما ساز اجنبی را کوک میکنند یا در زمین او بازی میکنند، آنهایی که این ور آب آبستن میشوند و برای فارغ شدن میروند آن ور آب؛ غافل از آنکه محل فراغت، رنگ چشم فرزندان شان را عوض نخواهد کرد، آنهایی که در هر مسئله ای تلاش میکنند جوری وانمود کنند که گویی نظام های استکباری غربی مبرا از خطا بوده و این صرفا ملت ایران است که به واسطه انقلاب اسلامی خویش، مزاحم ایشان است؛ اینها همگی تقی زاده های جدید هستند. اگر این تقی زاده های زمان توسط جوانان مومن انقلابی شناخته نشوند و به دیگران شناسانده نشوند، بیم آن می رود که این افراد، بتوانند ذهن ملتی را از دستاوردهای خویش غافل کرده و وی را از مسیر پرافتخاری که در ۴۰ سال گذشته طی کرده و هم اکنون وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است بازگردانند. اما حاشا که با وجود رهبری حکیم و جوانانی مومن و انقلابی چنین شود. بلکه به توفیق الهی جوانهای مؤمن و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرفشان به کرسی بنشیند.

توان موشکی، فناوری نانو و هسته ای، پیشرفت های پزشکی و عمق راهبردی و تاثیرگذاری در منطقه را کوچک و بی اهمیت به حساب آورد. به جرئت میتوان گفت یکی از رموز پیشرفت و حرکت رو به جلوی هر ملتی، آگاهی از توانمندی و اقتدار درونی خویش است که جز با شناختن تقی زاده های هر عصر که مخدوش کننده این آگاهی هستند میسر نیست. امروز نیز برخی قلم به داستان و صاحبان رسانه و تریبون همان خط را دنبال میکنند. تجربیات سال های اخیر به آنها فهمانده دیگر نمیتوانند با صراحت همان حرف ها را بزنند، لذا اغلب این مفاهیم نازیبا در قالب کلام زیبا بیان میشود تا برای مخاطب باورپذیر باشد. ایشان اگرچه در شرق نشسته اند اما مدام از غرب دم میزنند. برخی از آنان جوری از غرب مینویسند و طوری به مسائل کشور میپردازند گویی اینان خبرگزاری بیگانه اند نه دانشجویان ایران. آنهایی که افکار و سبک زندگی و روشهای غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات و افکار و دانشگاه ها و مدارس ما تزریق میکنند، اینها همین تقی‌زاده‌های جدیدند. آنهایی که پشت سر سند ۲۰۳۰ می‌ایستند، آنهایی که از امکانات و امنیت وطن به نان و نوایی رسیده اند

در تاریخ معاصر ایران، سید حسن تقی زاده است که از چهره های شناخته شده جریان روشنفکری عصر مشروطه و از رجال سیاسی عصر قاجار و پهلوی بود. همچنین وی از اعضای تشکیلات فراماسونری، عاقد پیمان داری در سال ۱۳۱۲ و از مشروطه‌خواهانی بود که به شدت ضددین بود و به مبارزه با دین می‌پرداخت. او معتقد بود که از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد و می‌گفت: "این جانب در تحریض و تشویق، اولین نارنجک تسلیم به تمدن فرنگی را در چهل سال قبل بی‌پروا انداختم. در جریان مشروطیت هم عامل انحراف نهضت مشروطه به‌سوی امیال سیاسی انگلستان بود و از عوامل توفیق نقشه های سیاسی آن کشور در ایران طی دوره ۵۰ ساله پس از مشروطیت بود. واضح است حضور و فعالیت چنین افرادی با چنین تفکراتی در قامت روشنفکر، نویسنده مطبوعات، فعال رسانه و ده ها عنوان خوش رنگ و لعاب دیگر، چه آثار مخربی در فهم عمومی جامعه و مخدوش کردن درک ایشان از واقعیات خواهد داشت. چراکه اینان دائما تلاش میکنند خیانت های دشمنان را روتوش کنند تا ملتی تحت ظلم، از باطن خبیث کشورهای ظالم مطلع نگردد و مهم تر از آن دستاوردها و داشته های ملی همچون

یکی از اصول تجربه شده در عالم سیاست این است که تعیین کننده اصلی در زمینه مدیریت افکار عمومی، نه ماهیت و میزان واقعی عناصر قدرت و ضعف، بلکه شیوه بازنمایی آنها در ذهن یک ملت است. بدین معنا که وقتی ملتی تحت تاثیر تبلیغات و فضا سازی ها، دچار اختلال در دستگاه محاسباتی گردید و علیرغم برخورداری از عناصر اقتدار، قدر و منزلت واقعی آن را نشناخت و دچار غفلت از آنها گردید، بهره ای از آن عوامل اقتدار نخواهد برد. این ترغند سیاسی، یکی از روش های مهم نظام های استکباری برای استثمار و پایمال نمودن استعداد های سایر ملل در طول تاریخ بوده است. بدین صورت که ابتدا با القای حس ضعف و درماندگی، ملتی را از خودباوری تهی کرده و سپس جایگزین آن را تنها، اقتدا به فرهنگ منحط غربی معرفی نموده اند. ماجرا هنگامی غمبارتر میشود که کسانی از داخل ملت ها، دانسته یا از روی نادانی، با این حرکت خائنانه همراه شده اند و ضمن تحقیر داشته های ملی خویش، به بزرگ کردن و توجیه خیانت های دشمنان پرداخته و ملت را به کرنش در مقابل بیگانگان دعوت کرده و تنها راه ترقی را نیز در همین کرنش، تصویر کرده اند. یکی از این قبیل افراد



فتنه به سبک تغلب

فتنه ۸۸ یک رخداد دوران ساز در تاریخ انقلاب اسلامی است که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. از این رو دست یافتن به جزئیات بیشتر یا مرور تجربه های آن به شکل مستند و روایی، برای غنی سازی تحلیل ها نیز اهمیت فراوان دارد. ازسوی دیگر، مسائل مربوط به فتنه ۸۸ در ذهن برخی اقشار و لایه های اجتماعی رسوب کرده و همچنان زنده است که باید به آن پاسخ داده شود؛

ضمن آن که نسل های جوان تر بدون آنکه خود با بلوغ سیاسی در آن تجربه حضور داشته باشند، تحت هجوم القائات دشمنان دراین باره هستند. در چنین شرایطی است که هر چندوقت یک بار رهبر معظم انقلاب بر اساس اقتضاء به موضوع فتنه ۸۸ می پردازند. و اجازه نمی دهند به کلی فراموش شود یا جای شاک و متهم در رابطه با این امر، عوض شود. کتاب «**فتنه تغلب**» شامل برخی سخنان منتشرنشده ی رهبر انقلاب مختص این واقعه است؛ از جمله در طلایعه ی کتاب که دیدگاهی کلان به موقعیت نظام اسلامی در برابر نظام سلطه عرضه می کند. همچنین روایت هایی از برخی سخنان و کنش های ایشان را در بر می گیرد که دیگران آن ها را نقل نموده اند بخش پیوست کتاب، شامل پنج خرده روایت است که بیانات و مواضع رهبر انقلاب اسلامی درباره این موضوع را از یکم فروردین ۱۳۸۸ تاکنون تلخیص و تنظیم کرده و می تواند راهنمایی برای علاقه مندان به فهم دقیق تر منظومه فکری و عملکردی حضرت آیت الله خامنه ای درباره فتنه باشد. اما یکی از مهم ترین بخش های این کتاب، بازنشر متن کامل نشست رهبر معظم انقلاب با نمایندگان ستادهای انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است.نشستی که تاکنون جزئیات آن را نمی توانستیم در نقطه دیگری پیدا بکنیم.

● فرازی از کتاب:

بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی: «انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه ی الهی انتخابات سالمی است. من می بینم بعضی ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است- در حدود سی انتخابات- مسئولان وقت در هر دوره ای رسماً متعهد شده اند و صحت انتخابات را تضمین کرده اند، و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا ببخود خدشه می کنند، مردم را متزلزل می کنند، تردید را ایجاد می کنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرف ها تردید ایجاد نخواهد شد.»

روایت های از متن و
فرا متن فتنه ۸۸
گردآورنده کتاب:
مصطفی غفاری
ناشر کتاب: انقلاب اسلامی
سال نشر: ۱۳۹۷

فتنه تغلب

لایحه ها و رویدادها



حوالی قبل از ظهر یکی از روز های سال ۹۳ بود که یکی از مسئولین فرهنگی دانشکده با من تماس گرفت و من را به جلسه ای که فعالین فرهنگی قرار بود در آن حضور داشته باشند دعوت کرد چندان از موضوع جلسه اطلاعی نداشتم، وقتی وارد جلسه شدم موضوع را متوجه شدم، حدود شش تا هفت نفر از خانم هایی که به دین اسلام مشرف شده بودند مهمانان جلسه بودند تا در مورد سرگذشت خودشان صحبت کنند ، از میان آنها چند نفر آمریکایی یک نفر مکزیکی و حتی یک نفر ژاپنی ، که خانم یامامورا نام داشت و متوجه شدم که ایشان مادر یکی از شهدا دفاع مقدس است. چهره یکی از آنها آشنا به نظرم رسید انگار که قبلا جایی او را دیده بودم بیشتر که دقت کردم متوجه شدم که ایشان مجری شبکه پرس تی وی هستند و زمانی که خودشو معرفی کرد فهمیدم که نام ایشان مرضیه هاشمی می باشد و اصالت آمریکایی دارد. یادم میاد از مطالبی که در آن جلسه مطرح شد یکی این بود که در غرب و به ویژه امریکا میزان گرایش به اسلام گسترش زیادی پیدا کرده و دیگری این که مهمانان جلسه روی این تاکید داشتند که قدردان انقلاب و جمهوری اسلامی باشیم. از ماجرای جلسه مدت ها گذشت تا این که حدود چند ماه پیش با یک خبر روبروی شدم ،((مرضیه هاشمی در آمریکا توسط پلیس دستگیر شد و به صورت غیر قانونی و غیر انسانی با او رفتار شده به گونه ای که او را مجبور به کنار گذاشتن حجاب اسلامی کرده اند و به زندان منتقل شده است)) بعد از تأیید خبر در اکثر رسانه ها به شدت ناراحت شدم و تمام خاطرات اون جلسه در ذهنم زنده شد. و این مسئله سبب کنجکاوی بیشتر من شد که واقعا مرضیه هاشمی کیست؟ملانی فرانکلین یا مرضیه هاشمی، شهروند آمریکایی الاصل و تحصیل کرده رشته ارتباطات است که از سال ۱۹۷۹ فعالیت خود را در حرفه خبرنگاری و مستندسازی آغاز

کرد. آن طور که خودش می گوید پیش از آغاز دوران دانشجویی سؤال هایی در ذهنش شکل می گیرد که نه راهبان کلیسا می توانند به آن پاسخ بدهند و نه در کتب مسیحی پاسخ دقیقی برای آن پیدا می شود.

ورود ملانی به دانشگاه و آغاز دوران دانشجویی که با مطالعه ملل و ادیان و مشاهده جوانان مختلف با عقاید گوناگون، همراه می شود، سؤال های ذهن او را بیشتر می کند. این دوران با آغاز تظاهرات ضد حکومت پهلوی در ایران هم زمان می شود. مخالفت امام خمینی با تفکر شرق و غرب و اداره یک حکومت با تکیه بر آرا و نظرات دینی توجه ملانی را که هم خانواده ای مذهبی داشت و هم به سیاست و مسائل بین المللی علاقه مند بود، به خود جلب می کند و موجب می شود تا ملانی فرانکلین حدوده دو سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسلمان و شیعه شود. او با یک ایرانی ازدواج می کند و شهروند ایران می شود و نامش را به مرضیه هاشمی تغییر می دهد.

مصاحبه ای که از ایشان در سایت رهیافتگان منتشر شده است اطلاعات خوبی در اختیار خواننده قرار می دهد ((مسلمان شدن من به انقلاب اسلامی ایران و شخصیت امام خمینی(ره) ربط مستقیم دارد. آن موقع من دانشجو بودم و درباره مسائل سیاسی کشورهای جهان و به خصوص آمریکای لاتین مطالعه و تحقیق می کردم. بیشتر به خاطر تفکر مقاومت و مبارزه با ظلم، جذب بچه های چپ آمریکای لاتین شده بودم. با اینکه من مسیحی پروتستان بودم و عقاید غیرمذهبی بچه های چپی را قبول نداشتم، از ۱۹ سالگی در جلسات مختلف آنها شرکت می کردم و در فعالیت های سیاسی با آنها همکاری داشتم.

به عنوان یک سیاهپوست و سرخپوست آمریکایی، مقاومت طلب بودم و از واقعیت سیاست های دولت آمریکا و دخالت هایش در امور دیگر کشورها خبر داشتم. در همان دوران، با دانشجویان کشورهای

جهان بینی توحیدی

در نشریه قبل در مورد نظرات امام علی(ع) و مقام معظم رهبری در مورد اهمیتِ آگاهی از مسائل زمانه و تحلیل حوادثِ سخنانی گفته شد اکنون به ذکر مقدماتی از روش های تحلیل میپردازیم. قدرت فهم و تحلیل مسائل جامعه در مرتبه بالاتری نسبت به مقاومت و پایداری قرار دارد.

افراد بسیاری را دیده ایم که در ابتدا در راه انقلاب اسلامی گام برداشته اند اما متاسفانه به دلیل عدم برخورداری از تحلیل مناسب در زمان مورد نیاز، فریب خورده و ابزاری برای اجرای نقشه های دشمنان در کشور شده اند.

این موضوعات ضرورت تحلیل مسائل را بیان میکند و نشان میدهد که چقدر در جامعه امروز در میان توطئه های دشمنان به آن نیاز است.

با یکدیگر عناوین گام اول از تحلیل سیاسی را بررسی میکنیم:

۱) جهان بینی توحیدی :

تفاوت بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است که با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه نظام مند و یک مجموعه قانون مدار است، طبیعت هدف دار است، ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان و پیدایشمان هدفدار است. آنگاه در جستجوی آن هدف بر می آییم. بعد که هدف را یافتیم تلاش برای رسیدن به آن هدف شروع میشود.

از نظر خدای متعال این تکاپو هم اجر و پاداش دارد و در نگاه جهان بینی توحیدی به هر نقطه ای که رسیدیم در واقع به هدف رسیده ایم که در دیدگاه توحیدی خسارت و ضرر اصلا برای مومن متصور نیست.

در مقابل نگاه توحیدی نگاه مادی است که پیدایش انسان در عالم را بدون هدف میداند، البته اهدافی دنیایی و گذرا را برای خود ترسیم میکند.

در نگاه مادی هیچ چیز جز سود شخصی برای فرد معنایی ندارد و اگر در این راه پایش به سنگ خورد، ضرر کرده و به هدفش نرسیده است.

در نشریه بعد نیز در مورد سایر گام ها چکیده هایی از مطالب را بیان خواهیم کرد.

مختلف در دانشگاهمان هم در ارتباط بودم. در زمان اوج مبارزات انقلابی در ایران، بچه های طرفدار و مخالف انقلاب، جلساتی در دانشگاه برگزار می کردند و من برای نخستین بار متوجه شدم که در ایران هم اتفاقاتی در حال رخ دادن است. نوع انقلاب برایم جالب بود و به همین خاطر تا بعد از پیروزی وقایع آن را دنبال کردم.)((من همیشه با افرادی که ظلم می کردند مشکل داشتم. همیشه سعی می کردم برای کسانی که زیر ظلم و ستم بودند کاری کنم؛ حداقل کاری که از دستم برمی آمد، اطلاع رسانی درباره وضعیت آنها و شرکت در جلسات مختلف شان بود. وقتی انقلاب اسلامی در ایران اوج گرفت، با بچه های ایرانی آشنا شدم.

این نخستین آشنایی من با ایران و اسلام بود. من تا آن موقع اطلاعات زیادی درباره اسلام نداشتم. وقتی انقلابی در ایران به پیروزی رسید که هم سیاسی بود و هم دینی، خیلی برایم جالب بود. من در یک خانواده مسیحی مذهبی بزرگ شده بودم. وقتی دور و برت همه مثل هم هستند و همه یک دیدگاه دارند، طبیعی است که شما هم همان دین را ادامه می دهید ولی من همیشه سؤالاتی درباره دینم داشتم که هرچه دنبال جواب هایش می گشتم، پیدا نمی کردم. بعد از اینکه با ایران آشنا شدم، آرام آرام مطالبی درباره اسلام هم شنیدم. کتاب های مختلفی خواندم؛ کتاب هایی که از ایران و جاهای مختلف برایم می رسید. بیشتر از آن، بچه ها اطلاعات خوبی داشتند که در اختیارم گذاشتند. آن موقع اسلام را با بقیه دین ها مقایسه کردم.

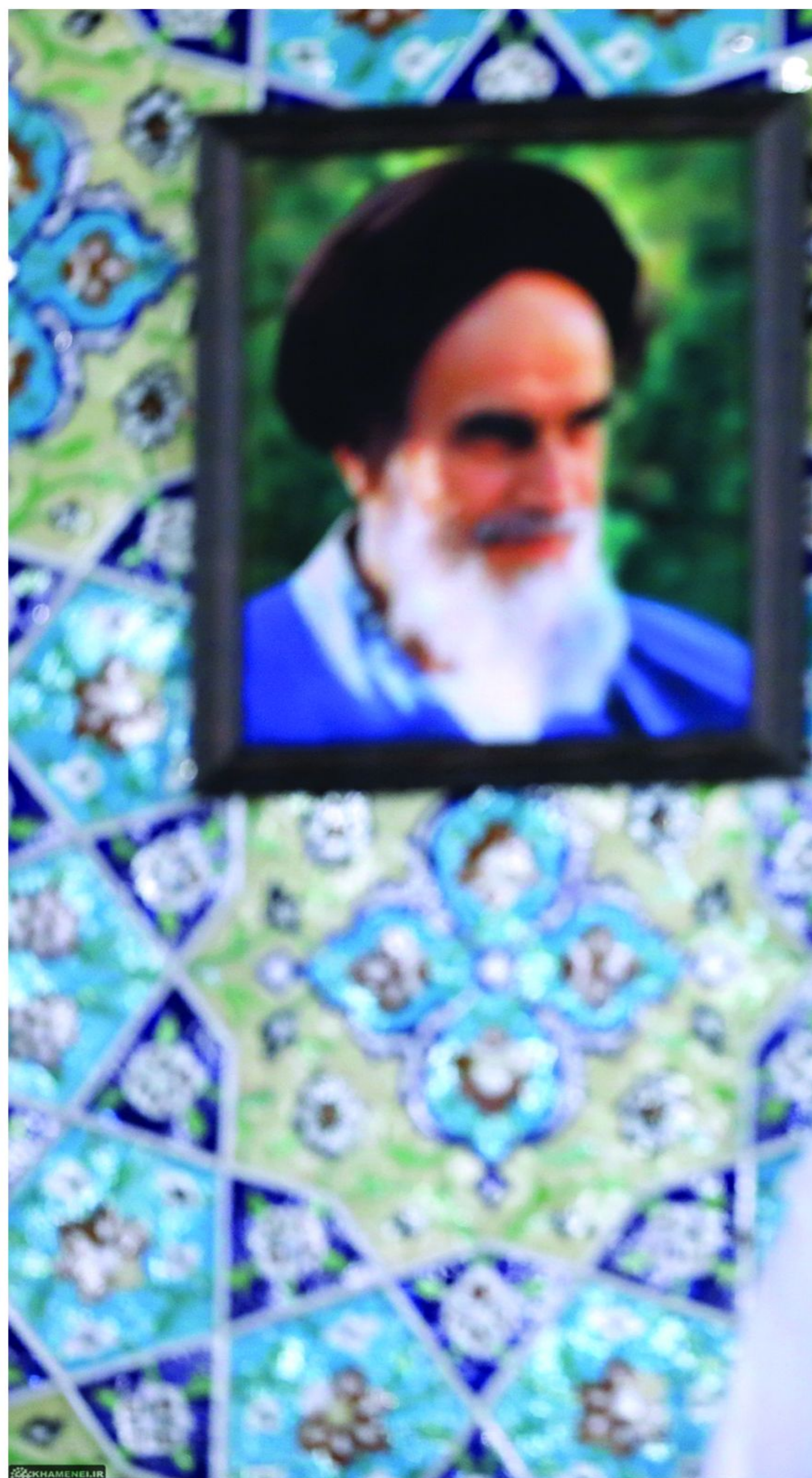
یواش یواش شروع کردم به خواندن انجیل و قرآن و مقایسه کردن این دو با هم. در واقع مسلمان شدن من ۲ سال و نیم طول کشید)). مرضیه هاشمی امام خمینی(ره) را قهرمان زندگی خود می داند)) (من اگر بخواهم یک قهرمان برای زندگی ام انتخاب کنم، امام خمینی(ره) است)). وقتی مسلمان شدم و تصاویر امام را در جماران دیدم که مردم برای ایشان گریه می کنند، این موضوع برای من که فرهنگی متفاوت داشتم خیلی عجیب بود تا این که خودم به ایران آمدم و یک روز به دیدن ایشان رفتم، وقتی امام از در وارد شدند خودم زار زار از دیدن ایشان گریه کردم! دست خودم نبود، امام خیلی زندگی ام را عوض کرد.) با بررسی زندگی نامه مرضیه هاشمی مشخص می شود که وقوع انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در زندگی او به شمار می رود به گونه ای که سبب تغییر مسیر زندگی گردید ، به عبارت دیگر وقوع انقلاب اسلامی به گونه بر اذهان و قلوب بشریت تاثیر گذاشت که بسیاری از حقیقت جوینان با وقوع آن گم شده ی خود را پیدا کردند و آنچنان مجذوب اسلام و انقلاب اسلامی شدند که مانند مرضیه هاشمی زندگی در آمریکای توسعه یافته را رها کرده و در خط مقدم نبرد رسانه ای علیه استکبار و ظلم جهانی قرار گرفته و حاضر اند تمام سختی های این مسیر بچشند. زندگی نامه افرادی امثال مرضیه هاشمی تلنگری اساسی برای ماست که واقعا چه مقدار توانسته ایم مسیر زندگی خود را آگاهانه انتخاب کنیم؟

۱)سایت تبیان ، مصطفی ساجدی

۲)سایت رهیافتگان

۳)برنامه اقیانوس آرام

میکشد از هر طرف چون پر کاهی مرا!



همان طور که امام فرمودند، هر چه فریاد دارند بر سر دشمنان و بر سر آمریکا بکشند.

هر بار سنگینی نیاز به آمادگی روحی دارد و باری که رهبر انقلاب بردوش ما جوان ها -تحقق گام دوم انقلاب نهاده است تنها با جوهر انقلابی گری به سرمنزل مقصود خواهد رسید.

شاخص ها تمام شد و من به این فکر فرو رفته ام که چقدر از این شاخص ها برخوردار هستیم؟ فکر نمی کنم به نتیجه مطلوبی برسیم!

بصیرت یعنی

بصیرت یعنی بصیرت دل، یعنی چشم دل باز شدن. یعنی این بازیچه های مادی، بازیچه های دنیوی، این ملاحظات سیاسی پست را بی اتنایی کردن. مثل یک کاغذ مچاله بی ارزش، پرت کردن توی سطل زباله. بصیرت این هست. بصیرت یعنی دل را با خدا مرتبط و متصل کردن. خدا را دیدن.

مقام معظم رهبری ۱۳۶۶/۳/۲

انسان، با روح انسان است. ما همه، با همه ی حیوانات شرکت داریم. در این که گوش داریم، چشم داریم، پا داریم، دست داریم. اما این مناط(شاخصه) انسانیت نیست. آنجا که انسان را از همه ی موجودات جدا می کند، از همه ی موجودات طبیعی جدا می کند، آن، قلب انسان، آن، بصیرت انسان است. شما بصیرت داشته باشید انسانید.

امام خمینی(ره)/اصحیفه امام، ج ۸، ص ۴۶۲

چیزی که از همان اوایل تحصیل درموردش مطالب فراوانی خوانده بودم ولی هنوز هم دید واضحی نسبت به آن نداشتم، این بود که به سراغش رفتم، تقوا را از بیانات رهبری در "مراقبت" یافتم آن جا که فرموده بودند: "برادران و خواهران عزیز! مواظب خودتان باشید. آدم های فاسدی که اسم هایشان را شنیده اید یا توصیفشان را می شنوید، این ها از اول که فاسد نبودند؛ یک وقت یک لقمه ی چرب و نرمی، دهن شیرین کنی دانسته یا ندانسته کسی توی دهن این ها گذاشته، به کامشان شیرین آمده، بعد لقمه ی بعدی و لقمه ی بعدی را خودشان برداشته اند و شده اند فاسد. خیلی از خودتان مراقبت کنید. تقوا یعنی همین؛ یعنی همین مراقبت."

"لزوم تعقل"، "لزوم کار تشکیلاتی برای حرکت انقلابی"، "عدالت خواهی" و "کمک به مجروحان جامعه" شاخص های دیگر بودند.

عدالت از جذاب ترین اصطلاحات زندگی بشری-ست که اگر بطور کامل تحقق یابد، بهشت زمینی متجلی میشود، ولی متأسفانه جامعه اسلامی ما هنوز طعم حیات بخش عدالت را، آنگونه که شایسته اوست، نچشیده است و خود من همیشه از منتقدین این قضیه بودم که چرا عدالت هنوز بطور کامل محقق نشده است، ولی وقتی "عدالت خواهی" را جزو ویژگی های جوان انقلابی یافتم، خودم را هم در امر عدم تحقق عدالت شریک دانستم. اما چگونه باید من جوان طالب این عدالت می بودم؟ که فرمایش امام علی (ع) راه را برایم هموار کرد:

فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيَ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ (اولین قدم در راه عدالت این است که هوی و هوس را از خود دور سازد).

و اما آخرین شاخص که "وحدت" بود. که در بند آخر بیانات رهبری در اول فروردین نیز به آن اشاره شد:

"جوان ها به مسائل فرعی و حاشیه ها نپردازند؛ به مسائل اختلاف افکن نپردازند؛ وحدت را، حرکت متمرکز را، حرکت های مؤنانه و مجاهدانه را، جوان ها دنبال کنند؛ در همین بخش هایی که گفته شد، مرزهای با دشمن را پُررنگ کنند؛ اما با خودی، با نیروهای داخلی، به اندک اختلاف سلیقه ای مرز ایجاد نکنند.

عصر پنجشنبه، روز اول سال ۹۸ بود، مشغول تماشای بیانات رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی بودم که سخن به این جا رسید که فرمودند: جوانها باید شانه شان را زیر بار مسئولیتهای دشوار کوچک و بزرگ بدهند؛ علاج مشکلات کشور این است. ما در گام دوم انقلاب بایستی حرکت کشور را بر دوش جوانها قرار بدهیم.

برایم تلنگر عجیبی بود که شخص اول مملکت تا این حد روی جوانها حساب باز کرده است. در عوالم خیال سیر میکردم که این جملات رشته افکارم را ازهم گسست. "امروز گام دوم انقلاب این است: شناختن ظرفیتهای و مزیتها و استفاده ی از آنها، و شناختن فسادها و رخنه ها و کمبودها و مشکلات و سینه سپر کردن برای حل آنها."

این بود که تصمیم گرفتم تا بدانم چه جوانی مدنظر رهبر انقلاب اسلامی ست؟ بطور کلی جامع ترین خصوصیت این گونه جوان ها را "انقلابی بودن" یافتم که از جمله شاخص های آن، پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی اسلام بود، به بیان دیگر جوان انقلابی باید به اسلام ناب پایبند باشد نه اسلام آمریکایی (اسلام متحجر و اسلام سکولار) و هم چنین باید در این مسیر سر اصول خود بایستد و هر حادثه ای او را به یک سمت نکشد.

میکشد از هرطرف، چون پر کاهی مرا
وسوسه این و آن، دمدمه خویشتن

شاخص دیگر "آرمان گرایی" بود تا جوان با همت بلند خود از اهداف متعالی منصرف نگردد.

"استقلال" که تنها راه رسیدن به عزت می باشد شاخص دیگری بود که توجه ام را به خود جلب کرد. همچنان که امیرالمومنین می فرمایند: کل عزیز داخل تحت القدرة فذلیل؛ (هر عزیزی که تحت قدرت و سلطه ای باشد ذلیل است).

شاخص های دیگر "بصیرت" و "تسلیم بودن در برابر حق" و "رعایت تقوا" بود. در "رعایت تقوا" متمرکز شدم،

هدف، این است؛ بقیه مقدمه است

این راست است که پیغمبر فرمود: «اَنَّمَا بَعَثْتُ لَاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ». (همانا من مبعوث شدم تا مکارم و بزرگواری های اخلاقی را تکمیل کنم) این حدیث از طرق فریقین - فِرَقِ اسلامی - نقل شده است؛ شیعه و سنی نقل کرده اند

این «اَنَّمَا» خیلی معنا دارد. یعنی اساساً بعثت من برای این است؛ هدف این است؛ بقیه مقدمه است. «لاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ»؛ تا این که مکارم اخلاق، در میان بشر و افراد جامعه، در میان انسانها و این امت کامل شود؛ رشد پیدا کند و همه از آن برخوردار شوند و انسان شویم.

این، آن اساس قضیه است. بُعِثْتُ لِاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ .

عزیزان من! بدانید که دنیا امروز، به این احتیاج دارد.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام
۱۳۷۵/۹/۱۹

روحیه فوق العاده بسیج شوندگی مردم ایران

در پایان هیئت نشریه قطب نما ضمن تسلیت و همدردی با مردم ایران و داغداران و خسارت دیدگان این حوادث خواهشمند است با کمک به هم میهنان سیل زده مان، آنان را زبانا و عملا یاری کرده و در این زنجیره همدلی و مهربانی سهیم باشیم.



از چند روز مانده به سال جدید شاهد بارش بی سابقه باران و نزولات آسمانی در کشور عزیزمان بوده ایم و به تناسب آن نیز اخبار متنوع و فراوانی از گوشه و کنار، به خصوص شمال و جنوب غرب کشور شنیده ایم که متأسفانه تعدادی از هموطنان مان دچار سیل شده و آب به خانه و کاشانه شان رسیده و زندگی عایشان مختل شده است...و این موضوع موجب ناراحتی و کدورت خاطر همه مان گردیده است، اما سیل نکاتی فراتر از یک حادثه برای ما داشت که به نکاتی چند از آن اشاره می‌گردد؛

۱- این حجم از آب برای کشوری که خصوصاً در سالیان اخیر از کم آبی رنج میبرد نعمتی بزرگ است، اما شرط تبدیل آن به نعمت هشیاری مسئولین ذی ربط و استفاده از این روان آب هاست و شاید این سوء مدیریت خودمان است که بخشی از این نعمت را به نضمت و بلا تبدیل می‌کند؛ در ضمن نباید از تلاش مسئولین و نهاد های دولتی در حین وقوع این پیشامد غیرمنتظره، چشم پوشید و باید تلاش هایشان را ارج نهاد. اما آنچه مهم است پیشگیری از ویرانی ها و خسارات سیل است که باید از قبل پیش بینی می شد و شاید این درس عبرتی باشد تا در طرح های مختلف آینده از سد سازی گرفته تا راه سازی و عمران شهری همه جوانب مختلف دیده شده و آینده نگری لازم و جامع انجام شود تا ضمن پیشگیری از خسارات مادی جلوی صدمات روحی و روانی ناشی از حوادث به مردم عزیزمان نیز گرفته شود.

۲- از نکات دیگر کمک همه جانبه و تمام وقت نیروهای بسیج و ارتش و سپاه بود که حقا هر زمان و مکانی که مسئله حفاظت و پاسداری از امنیت و سلامت و جان ، مال مردم در میان باشد، حاضر و پای کار بوده و هستند و دست مریزاد دارند.

۳- از نکات قابل توجه همبستگی و همدلی و روحیه بسیج شوندگی مردم ایران برای خدمت فوق العاده به هموطنان سیل زده است، از شیراز و گلستان گرفته تا لرستان و خوزستان و سایر شهر ها و شاید بتوان اوج آن را در کمک مردم زلزله زده کرمانشاه به سیل زدگان گلستان دید که ایشار در اوج نیاز را به نمایش گذاشتند و این روحیه کم نظیر مردم مان ستودنی، ارزشمند و تحسین برانگیز است. در این جا باید از کشور های دوستانه (سوریه ، لبنان و عراق) نیز یاد کرد که با یاری و از جمله تشکیل کمپین: {زیر آتش بودیم ما را یاری کردید، حال شما زیر آب هستید، نوبت یاری ما رسیده است} {حس انسان دوستی را فراتر از مرز های جغرافیایی به نمایش گذاشتند.

۴- یکی دیگر از نکات جالب این سیل این بود که بار دیگر دشمنی دشمنان این ملت را آشکار تر کرد چنانکه سخنگوی وزارت خارجه کشورمان گفت: «امریکا حساب های هلال احمر را مسدود کرده و با این اقدام عملاً کمک رسانی از کشور های دیگر به مردم سیل زده را مختل کرده است» و این سیل یک برگ سیاه دیگر به دفتر داعیه داران حقوق بشر افزود تا چهره سیاهشان کربه تر شود، امید است که عده ای کمتر آن را بزرگ کنند.



“ظرفیت های اقتصادی کشور”

رهبر انقلاب در پیام نوروزی آغاز سال ۱۳۹۸ به آحاد ملت ایران، ضمن نامگذاری و تبیین «رونق تولید» به عنوان شعار سال، یکی از دلایل امکان تحقق این شعار در سال جاری را وجود ظرفیت های متعدد کشور برشمردند ایشان فرمودند:

«کارشناس های ما معتقدند که ظرفیتهای کشور برای شکوفایی اقتصاد، ظرفیتهای بسیار آماده و مستعد و کاملی است. ما کمبود نداریم. ظرفیت نیروی انسانی ما بسیار خوب است، ظرفیتهای طبیعی ما بسیار خوب است، ظرفیت جغرافیایی ما بسیار خوب است که من در بیانیه ی گام دوم مقداری از این ظرفیتهای را تشریح کردم که این ظرفیتهای وجود دارد؛ بنابراین ظرفیتهای هست» به همین مناسبت، بخش اقتصاد پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR بنا دارد در پرونده ای به تبیین و تحلیل ابعاد مختلف مسأله ی «رونق تولید» بپردازد.

در ادامه ی سلسله مطالب این پرونده آقای محمد عندلیب، کارشناس مسائل اقتصادی در یادداشت زیر ظرفیت های اقتصادی کشور جهت تحقق رونق تولید را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و پیشنهاداتی را در این زمینه مطرح کرده است.

۱. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه

کشور ایران از لحاظ جغرافیایی در نقطه ی اتصال ۳ قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد. از طرفی کریدور شرق به غرب و از سوی کریدور شمال به جنوب است. وجود راه آهن سراسری و زیرساخت های حمل و نقل جاده ای مناسب مانند بزرگراه ها و آزادراه های فراوان، دسترسی کشور به آب های آزاد بین المللی، اتصال بندرگاه های اصلی به شبکه ریلی و جاده ای برخوردار از امنیت بالا و مطلوب، سبب شده است که همواره ایران به عنوان یکی از اصلی ترین انتخاب های کشورهای گوناگون برای حمل و نقل و ترانزیت کالاها باشد. مطابق محاسبات، با افزایش حجم بار و تکمیل نقشه ریلی ترانزیتی کشور و اتصال ریلی چابهار به سرخس و خرمشهر به بصره و چند مسیر نسبتاً کوتاه دیگر، کشور امکان کسب درآمدی ۲۶ میلیارد دلاری را داراست. این درآمد که بیشتر از نصف درآمد نفتی سالانه ی ایران است، امکان ایجاد رونق تولید و اشتغال آفرینی برای بیش از ۱۵ میلیون نفر را دارد و نقش ویژه ای در عمران و آبادانی مناطق عبوری راه آهن از این مسیر را دارد.

۲. دسترسی به بازارهای گسترده و متنوع

کشور پهناور ایران از لحاظ جغرافیایی در همسایگی ۱۵ کشور با جمعیتی بیش از ۶۰۰ میلیون نفر قرار دارد. حجم تجارت همسایگان ایران تا انتهای سال ۲۰۱۷، بیش از ۲۰۰۶ میلیارد دلار در سال بوده است که سهم ایران تنها ۳۶ میلیارد دلار یعنی حدود ۱.۷ درصد از کل تجارت منطقه بوده است. حجم تجارت فعلی کشور که به دو بخش نفتی و غیر نفتی تقسیم میشود، چیزی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است. چنانچه ایران با فعال نمودن دیپلماسی اقتصادی منطقه ای و استفاده از

پیمان های پولی دوجانبه و بانکداری غیرمستقیم، بتواند سهم خود از تجارت منطقه ای را تنها ۵ درصد افزایش دهد، قادر خواهد بود تجارتی ۱۰۰ میلیارد دلاری با کشورهای همسایه خود شکل دهد که مطابق محاسبات کارشناسی در بدبینانه ترین حالت، همین امر زمینه ایجاد ۴ میلیون شغل در کشور را ایجاد می نماید. از طرفی شکل دهی بازاری به این وسعت، خود تقاضایی موثر برای شکل گیری و رونق تولید داخلی است. سفر اخیر آقای رییس جمهور به کشور عراق و افزایش سطح مبادلات به سطح ۲۰ میلیارد دلار خود گویای امکان پذیری این برنامه است.

۳. دسترسی به منابع طبیعی استفاده نشده

کشور ایران با قرار گرفتن بر روی یکی از کمربندهای اصلی کوهزایی جهان، دارای ۱۰۴ میلیارد تن ذخیره احتمالی انواع مواد معدنیست که ۷ درصد معادن جهان را تشکیل میدهد. تنوع این معادن بیش از ۶۴ نوع ماده معدنی است که شامل ۶ درصد منابع مس، ۳.۵ درصد منابع سرب و روی، ۱۰.۵ درصد منابع زغال سنگ و ۲ درصد منابع سنگ آهن است. مطابق محاسبات ارزش معادن ایران ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که در صورت سرمایه گذاری و توجه به عواملی چون "توسعه زیرساخت ها"، "فرآوری مواد خام" و "رود بخش خصوصی" و "اجازه صادرات" این عدد افزایش می یابد. متأسفانه پس از کشف نفت، به دلیل اتکای مسئولان به درآمدهای نفتی، توجه ویژه ای به این بخش صورت نگرفته است که با بهره گیری و فعال نمودن این بخش، میتوان درآمدی چندین برابر بخش نفتی استحصال نمود. به عنوان مثال بخش کشاورزی که از مهمترین و استراتژیکترین بخشهای اقتصادی کشور است و امنیت غذایی جامعه به آن گره خورده است: حدود ۳۷ میلیون هکتار اراضی مناسب کشاورزی در کشور وجود دارد که در حال حاضر ۱۸.۵ میلیون هکتار آن در چرخه تولید محصولات بخش کشاورزی قرار دارد. مدیریت و زیر کشت بردن علمی زمین های کشاورزی میتواند علاوه بر ایجاد رونق تولید و اشتغال بالا، ضمن تقویت امنیت غذایی، دسترسی ارزانتر محصولات کشاورزی برای مردم را ممکن نماید.

۴. بهره مند از منابع سرشار انرژی

یکی از نهاده های اصلی برای شکل گیری تولید، انرژی است که بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند کره جنوبی، ژاپن و کشورهای اروپایی تا حد قابل توجهی نیازمند و وابسته به منابع انرژی سایر کشورها هستند. کشورمان ایران در منطقه ای واقع شده که بیش از ۴۸ درصد از نفت و گاز دنیا در آن قرار دارد. از طرفی ایران بالاترین حجم ذخایر مجموعی نفت و گاز دنیا را داراست. از دیگر سو بهره مندی کشور از منابع طبیعی، معادن، زمین های حاصلخیز، نیروی انسانی توانمند، تحصیل کرده، متخصص و متعهد، زمینه را برای جهش کشور در حوزه های متعدد فراهم می آورد. شرط تحقق این امر اعمال مدیریتی جهادی، خستگی ناپذیری عالمانه است

که بتواند ظرفیت های حوزه های گوناگون را با نگاه به داخل مانند تسبیحی دور هم جمع نموده و اقتصاد کشور را به اقتصادی بالنده و آسیب ناپذیر تبدیل نماید.

مطالب فوق تنها بخشی از ظرفیت های کشور جهت رونق بخشی به تولید و رفع مشکلات معیشتی مردم است که توجه و فعال نمودن آنها میتواند پیشران اقتصاد کشور در شرایط فعلی باشد. لذا در همین راستا اقدامات ذیل جهت استفاده هر چه بیشتر و بهتر از ظرفیتهای پیشنهاد میشود:

- * تقویت تعاملات اقتصادی-سیاسی و ایجاد پیمان های پولی ۲ یا چند جانبه با کشورهای منطقه مانند پاکستان، آذربایجان و ...
- * تکمیل شبکه ریلی به کمک بخش خصوصی با ایجاد جذابیت برای آنان
- * توجه ویژه به معادن و منابع طبیعی و تلاش در فرآوری و جلوگیری از خام فروشی
- * حضور فعال در بازسازی کشورهای جنگ زده و آسیب دیده مانند عراق، سوریه و ...
- * تکمیل شبکه آبیاری با اصلاح نظام مصرف و بهره وری آب
- * به کارگیری زمین های کشاورزی با اصلاح قوانین متعلق به این حوزه
- * استفاده از صنایع تبدیلی و تکمیلی در کشاورزی جهت افزایش ارزش آفرینی
- * مشارکت یا برون سپاری طرح های اقتصادی به بخش خصوصی
- * ایجاد جذابیت در طرح های اقتصادی با قابلیت واگذاری برای بخش خصوصی



شهید چمران

“خدایا مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای تو را مشاهده کنم.”

“تو را می خواهم که روح تشنه مرا به پرواز درآوری.”

“خدایا مرا بخاطر گناهی که در طول روز با هزاران قدرت عقل، توجیه شان می کنم، ببخش!”